

قالیباف انصراف دهد، رأیش به سبد چه کسی می رود؟

عصرایران با اشاره به مشکل انصراف زاکانی و قاضی زاده نوشت: تمام آرای قالیباف به سبد جلیلی نمی‌ریزد زیرا بخشی از پایگاه او به خاطر تصور تکنوکراتیک و سابقه مدیریت اجرایی است و هرگز این بخش سراغ جلیلی نمی‌رود بلکه بخشی از این رأی قطعا به سبد پزشک‌های تعلق خواهد گرفت.

به گزارش سایت خبری پرسون، نماینده جوان و تازه‌وارد مجلس که از محمد باقر قالیباف بیشتر رأی آورده و به عنوان نماینده سعید جلیلی در برنامه تلویزیونی شرکت کرد با انتشار ویدیویی از استقبال از آقای جلیلی در اصفهان نوشته: «استناد به نظر سنجی‌های کاغذی برای آن که معلوم شود چه کسی رأی اول است لازم نیست. میدان، همه چیز را دارد نشان می‌دهد.»

منظور امیر حسین ثابتی از میدان البته در این فقره میدان نقش جهان اصفهان است و نه آن اصطلاح «میدان» که در مقابل دیپلماسی به کار می‌برند و با بهره از نام مرحوم امیر عبداللهیان می‌خواستند با دیپلماسی تلفیق کنند و به وزیر خارجه فقید لقب «امیر میدان دیپلماسی» دادند.

جدای این بحث کلی که انصراف و نماندن، تداعی کننده پوششی بودن است و نامزدهای پوششی یادآور انتخابات چینی (مدل ۱۴۰۰) است و هم به مشارکت آسیب وارد می‌کند و هم تمام ادعاهای نامزد انصرافی درباره جدی بودن را به سخره می‌گیرد مشکل اول در کناره‌گیری سعید جلیلی به نفع باقر قالیباف این است که حامیانی چون ثابتی را قانع نمی‌کند و خود را دارای رأی بالاتر می‌دانند. فراموش نکرده‌ایم از دعوی پاجوش‌ها با چنارها چند ماه بیشتر نمی‌گذرد و صتمی با قالیباف ندارند و بعید نیست اعلام کنند به او رأی نخواهند داد و از جلیلی هم بپزند.

وقتی به نفع قالیباف نباید کنار برود به طریق اولی کناره‌گیری به سود دو نفر دیگر -که روی کاغذ هم بختی ندارند و خودشان هم قاعدتا باید کنار بروند- طبعاً منتفی است.

مشکل آقای قالیباف برای کناره‌گیری به نفع جلیلی هم این است که در شهرهای بزرگ وضع او بهتر است و این شاید آخرین فرصت او برای ریاست جمهوری باشد که چنانچه به سود جلیلی کنار برود ولی پزشک‌های رییس جمهور شود حامیان پزشک‌های در مجلس هم از گرد او پراکنده شوند در حالی که ریاست مجلس هر سال باید تجدید و تمدید شود و خود پزشک‌های چه در مقام رییس جمهور بعدی و چه رییس فراکسیون میانه روهی مجلس هم مانند قبل به او نخواهد نگریست.

انصراف به سود زاکانی و قاضی زاده را هم طبعاً در شأن خود نمی‌دانند در حالی که به احتمال زیاد این دو نمی‌مانند ولو قول ماندن داده باشند!

مشکل جدی‌ترشان این است که تمام آرای قالیباف به سبد جلیلی نمی‌ریزد زیرا بخشی از پایگاه او به خاطر تصور تکنوکراتیک و سابقه مدیریت اجرایی است و هرگز این بخش سراغ جلیلی نمی‌رود بلکه بخشی از این رأی قطعا به سبد پزشک‌های تعلق خواهد گرفت. این گونه نیست که رأی دهندگان تمام جوانب را لحاظ کنند و یک وجه کافی است و در این فقره جلیلی فاقد کمترین وجوه تکنوکراتیک است. در غیاب اصول‌گرایی تکنوکرات می‌روند سراغ اصلاح طلب دموکرات که تکنوکرات هم هست نه جلیلی که نه تکنوکرات است نه دموکرات.

مشکل زاکانی برای انصراف هم سخنی است که به پزشک‌های گفت و این که می‌ماند تا رییس جمهور شود و اگر کنار برود بی‌پرنسبی تمام عیاری را به نمایش می‌گذارد و نه قالیباف و نه جلیلی هم تمایل ندارند این بی‌پرنسبی به آنها منتسب شود و شهرداری زاکانی هم به مخاطره می‌افتد.

به بیان دیگر نوبت قبل که کنار رفت شهرداری تهران را گرفت. حالا برود شهرداری را هم چه بسا از دست می‌دهد و انتخابات برای او سنگ مفت، گنجشک مفت است. ببرد رییس جمهور است و پاستور نشین و ببازد برمی‌گردد به خیابان بهشت. چرا باید کنار برود؟ مگر آن که اراده‌ای فراتر از او بخواهد. ضمن این که کنار رفتن او اسباب طعنه و طنز و به سود پزشک‌های خواهد شد با آن جمله: تا آخر می‌مونی دیگه؟! با این همه رفتن او با توجه به نهیب کیهان ولو مخاطب اصلی نباشد محتمل است.

درباره قاضی زاده هاشمی هم اساساً وزنی ندارد که کناره‌گیری او اهمیتی داشته باشد و چنانچه دست به این کار بزند تقلای ماندن در منصب فعلی تفسیر می‌شود و این پرسش هم به میان می‌آید اگر دولت مرحوم رییس جمهور فقید این قدر محبوب بوده چرا هیچ کس از اعضای ارشد آن در رقابت‌ها باقی نماند؟ سه وزیر را که شورای نگهبان واجد صلاحیت ندانست و معاون او هم کنار کشید!

با این حساب کار دشوار کسانی که نام خود را جبهه انقلاب گذاشته‌اند (و دو چهره انقلابی - پزشک‌های و پورمحمدی- را از جبهه انقلاب بیرون می‌دانند) این است که نمی‌دانند کی به نفع کی باید کنار برود اما می‌دانند ماندن آنها به تکرار تجربه سال ۹۲ می‌انجامد. چون آنان پایگاه رأی ثابت و مشخصی دارند که بین ۴ نفر توزیع می‌شود اگرچه این امید را دارند که دو نفر از خودشان (قالیباف و جلیلی) به مرحله بعد راه یابند.

تردید بر سر کنار رفتن سه نفر از چهار نفر به سود یکی به این خاطر هم هست که اگر قرار باشد از ۴ نفر یکی باقی بماند بعید نیست پورمحمدی هم متقابلاً تصمیم بگیرد به سود پزشک‌های کنار برود در حالی که در وضعیت فعلی بخشی از آرای مقابل ولو کم به او تعلق می‌گیرد.

شما جای جلیلی چرا به نفع قالیباف کنار بروید در حالی که امیر حسین ثابتی در مجلس در جبهه مقابل قالیباف است و اساسا جلیلی روش و مشی دیگری دارد و اگر قالیباف رییس جمهور شود سایه بازی را هم باید بگذارد کنار و ۴ سال دیگر هم بختی نخواهد داشت.

یا شما جای قالیباف چرا به سود جلیلی بروید در حالی که نزدیک ترین فرد به او حاضر نشد به ریاست او در مجلس رای بدهد و برای کاهش آرای او در مجلس کوشید؟

شما جای قاضی زاده هاشمی. چرا باید به نفع یکی از این دو بروید کنار. در حالی که تنها عضو ارشد دولت مرحوم ریسی است که اجازه یافته در رقابت ها شرکت کند و در تمام برنامه ها سیاه پوشیده تا به مخاطب بگوید ادامه دهنده راه ریسی من ام و این اواخر به دنبال جذب احمدی نژادی هاست چه با ستایش دولت او و چه حمایت مشاور فرهنگی او (مهدی کلهر) و بعید نیست در مناظره آخر چند حرکت احمدی نژادی هم از او سر بزند اگرچه تقلید او کار هر کسی نیست.

یا اگر جای علیرضا زاکانی باشید... نه، خدا نکند نه ما و نه شما جای او باشیم! با این حال اگر بماند موقعیت آینده خود در شهرداری تهران را به مخاطره انداخته و اگر کنار برود به سود آن نامزد نیست و همه به یاد قول او می افتند و آن وقت "طلا"یی که وعده داده بود چه می شود؟! فارغ از هر نتیجه شاید بهتر باشد نوبت بعد اصول گرایی ایرانی نام خود را تغییر دهد چون مگر می شود اصول آدم این قدر سیال باشد؟